



۲۰۱۸/۱۲/۲۱



هارون یوسفی

الهی



لرزشی در شاخه ها افتاده است

برگ ها آهنگ نو سر داده اند

خانه عطر زندگانی می دهد

خار و خس در روی سبزه مرده اند

** * **

در چمن حال و هوای دیگر است

بیشه ها در انتظار بارش اند

ابر ها در کوچه های آسمان

سروران پاکی و آرامش اند

** * **

خواب می بینم و در بیداری ام

رهروی رنگی به جانم می زند

روی جاده پیر مرد خسته ای

گوشه تابوت من را می برد

** * **

می دَوم از رنگ ها دوری کنم
کوچه ها تنگ اند اما استوار
پیرمرد از غصه ما مرده است
باغ ما، در انتظار یک بهار



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



امید

[Yousofi_haroon_omed.pdf](#)